

بحران قندوز و تجارت سود آور هواپیماهای نظامی



در حالی که ولایت قندوز روزهای گذشته درگیری‌های سختی را تجربه کرده، برخی با استفاده از هواپیماهای نظامی به جای کمک به انتقال تدارکات و زخمی‌ها از این امکانات سوء استفاده کرده‌اند.

در حالی که قندوز روزهای گذشته شاهد درگیری‌های سختی بوده است برخی از افراد به وسیله هواپیماهای نظامی به جای انتقال زخمی‌ها و تدارکات، در برابر دریافت پول از مردم آن‌ها را به مکان‌های امن منتقل می‌کردند.

یک کارمند دولتی در ولایت قندوز گفته است که با پرداخت ۴۵ هزار افغانی (۷۵۰ دالر) سه نفر از...
ادامه صفحه ۶



معاون دوم ریاست اجرایی:

کنار زدن مجاهدین یکی از علت‌های سقوط کندز است

صفحه ۳

وزیر داخله:

پاکستان در تلاش فرستادن لشکر تازه به افغانستان است

نورالحق علومی وزیر امور داخله علت سقوط برخی از شهرها و ولسوالی‌ها به دست مخالفان مسلح دولت را توطیه‌های تازه پاکستان خواند.

نورالحق علومی وزیر داخله در این مورد گفت: «در نتیجه فعالیت مراکز تروریستی در بیرون از مرز همه مناطق کشور ناامن شده است؛ دشمن تصمیم داشت حداقل ۹ تا ۱۰ ولایت را در سال جاری سقوط دهد که موفق به این کار نشدند...»

امروز نه تنها که جنوب، شرق، شمال و غرب کشور زیر تهدیدها...
ادامه صفحه ۶



قندوز و تشدید ناآرامی‌ها در برخی ولایات دیگر سوالاتی را مطرح کردند.

مقام‌های امنیتی افغانستان در خصوص اوضاع بد امنیتی در کشور به ویژه سقوط قندوز به مجلس سنا فرا خوانده شدند. نورالحق علومی وزیر داخله، معصوم استانکزی سرپرست وزارت دفاع، رحمت الله نبیل رییس عمومی امنیت ملی، حنیف اتمر مشاور امنیت ملی رییس جمهور در جلسه دیروز سنا خواسته شده بودند؛ اما تنها وزیر داخله خود حضور یافته بود و دیگر مقام‌ها معاونان شان را به این مجلس فرستاده بودند.

سناتوران هم در خصوص چه‌گونگی سقوط

در برگ‌ها



با تو
هستیم
کنند!

اسطوره‌های
جهانی
شدن



از
افراط‌گرایی
دینی
تا میانه‌روی
مذهبی

کودکان بلخ
خواهان عدالت
برای قربانیان
جنگ کندز شدند



سازمان ملل:

حمله به پزشکان بدون مرز می‌تواند جنایت جنگی محسوب شود



بشر سازمان ملل اعلام کرد، حمله هوایی در قندوز افغانستان توجیه‌ناپذیر است و می‌تواند در حد یک جنایت جنگی در نظر گرفته شود. زید رعد الحسین تحقیقی کامل و شفاف را در این مورد درخواست و اعلام کرد: حمله هوایی به بیمارستان در صورتی که در دستگاه قضایی، عمدی بودن آن به اثبات برسد، می‌تواند جنایت جنگی محسوب شود.

سازمان ملل متحد حمله هوایی اخیر امریکا به یک بیمارستان در شهر قندوز را به شدت محکوم کرد. به گزارش خبرگزاری شینهوا، نیکولاس هیس، نماینده ویژه دبیرکل سازمان ملل متحد در امور افغانستان با انتشار بیانیه‌ای اعلام کرد: من حمله مرگبار به اعضای پزشکان بدون مرز را در قندوز به شدت محکوم می‌کنم؛ حمله‌یی که به کشته و زخمی شدن تعدادی پزشک، بیمار و غیرنظامی منجر شد.

در این بیانیه آمده است: بیمارستان‌ها نباید در جریان درگیری‌ها مورد هدف قرار گیرند و قوانین بین‌المللی استفاده از تاسیسات درمانی برای اهداف نظامی را منع می‌کند.

این مقام سازمان ملل متحد گفت: من بر این خواسته خود تاکید دارم که تمامی جناح‌ها در جریان درگیری‌های افغانستان به تاسیسات و کارکنان خدمات درمانی احترام بگذارند و به آن‌ها حمله نکنند.

در همین حال، زید رعد الحسین، کمیسر عالی حقوق

والی پروان:

در پشت جنایات پروان یک بزرگ این ولایت قرار دارد



والی پروان می‌گوید: پشت تهدیدات امنیتی افراد مسلح غیرمسوول، دست شماری از زورمندان و فرماندهان مجاهدین دخیل است.

او هشدار می‌دهد که چهره‌های این زورمندان را افشا خواهد کرد.

از نظر باشندگان و مسوولین...
ادامه صفحه ۶

محمد منصوریان

با تو هستیم کندز!

فریادی بر بلندای بلندترین قله‌های درد



سخن ماندگار

تجربه حاکمیت طالبان در کندز

کندز بحث داغ رسانه‌هاست، هرچند ریاست‌جمهوری تلاش‌های مضاعفی را برای مخفی نگه داشتن واقعیت‌ها و این‌که رسانه‌ها کمتر به ابعاد فاجعه‌بار این رویداد توجه نشان دهند، صورت می‌دهد. اما با این حال رسانه‌های کشور با مسوولیت در این رابطه مشغول اطلاع‌رسانی‌اند و با گذشت هر روز، ابعاد تازه‌تر جنایات کندز برملا می‌شود.

در کنار مسایل مختلفی که به جنگ ارتباط می‌گیرد، موضوع مهمی که کمتر به آن پرداخته شده و می‌شود، نوع حاکمیت طالبانی در این شهر است. طالبان پس از چهارده سال از سقوط حاکمیت‌شان، به دنبال حوادث یازده سپتمبر و جنگ ائتلاف جهانی علیه تروریسم، یک بار دیگر فرصت پیدا کردند که یکی از کلان‌شهرهای کشور را تصرف کنند و برای چند شبانه‌روز به اصطلاح «نظام شرعی» خود را در آن پیاده سازند.

شهروندان کشور هنوز طعم تلخ حاکمیت شش‌ساله طالبان را فراموش نکرده‌اند؛ رژیم‌هایی که به هیچ اصل انسانی باور نداشتند و تلاش می‌کرد که از راه زور، ارعاب و ترس بر جان‌های انسان‌ها حاکمیت داشته باشد. مردم افغانستان هرچند شش سال را در زیر شلاق طالبان زنده‌گی کردند، ولی دل‌های‌شان هرگز با این رژیم نبود و نه آن را به عنوان دولت قانونی افغانستان به رسمیت می‌شناختند. طالبان در طول شش سال حاکمیت‌شان بر کشور، کارنامه سباهی از خود به یادگار گذاشتند؛ کارنامه‌هایی که با جنگ، کشتار و ویرانی رقم خورده است. در طول سال‌های پس از حاکمیت خود، طالبان همواره نظام فعلی را به باد انتقاد می‌گرفتند و همچنان در پی احیای حاکمیت خود جفنگ می‌سفتند. آن‌ها مدعی بودند که نوع حاکمیت‌شان برای مردم، عدالت و امنیت می‌آورد و این‌ها چیزهایی است که مردم افغانستان به آن‌ها نیاز دارند.

اما حوادث کندز نشان داد که طالبان همچنان تصور خطرناکی از حاکمیت دارند. سه روز حاکمیت طالبان برای کندز؛ فقر، مرگ، تجاوز و کشتار گروهی بود. آن‌ها به‌سان سال‌هایی که در حاکمیت قرار داشتند، تلاش کردند که با برپایی محاکمه‌های صحرایی، از شهروندان کندز انتقام بگیرند. سه روز حاکمیت طالبان نشان داد که این گروه هیچ برنامه‌یی به‌جز ایجاد رعب و وحشت و کشتار مردم ندارد. طالبان در زیر پرچم سفید، سیاه‌ترین جنایات را در کندز صورت دادند؛ جنایاتی که یک بار دیگر چهره خشن و غیرانسانی این گروه را به نمایش گذاشت.

طالبان در کندز نشان دادند که سفیر مرگ و بدبختی برای مردم افغانستان‌اند و اگر یک بار دیگر بر این کشور چیره شوند، پیام‌شان مرگ و نیستی خواهد بود. سازمان‌های حقوق بشری و دولت افغانستان به یافته‌های تکان‌دهنده‌ی در کندز دست یافته‌اند. این یافته‌ها، تصورات و خیال‌پردازی این نهادها و سازمان‌ها نیست. سازمان ملل متحد، از تجاوز گروهی به زنان و کشتار غیرنظامیان در این ولایت پس از تصرف آن به دست طالبان خبر داده است. ریاست‌جمهوری افغانستان نیز با تأخیر ولی سرانجام جنایات طالبان در کندز را تأیید کرد. در خبرنامه ریاست‌جمهوری افغانستان که به رسانه‌ها فرستاده شده، آمده است که افراد وابسته به گروه طالبان پس از تصرف کندز، «به ناموس و عزت مردم تجاوز کردند و افرادی را که متهم به قتل و تجاوز به مال و عزت مردم بودند»، از زندان این شهر آزاد کردند.

ریاست‌جمهوری افغانستان همچنین گفته است که طالبان شماری از ساختمان‌های دولتی و غیردولتی در کندز را آتش زده و اموال عمومی و دفاتر کنسول‌گری‌ها و نماینده‌گی‌های سیاسی در این شهر را غارت کرده‌اند. سازمان عفو بین‌الملل نیز در گزارشی که در مورد جنگ کندز منتشر کرده، به نقل از شاهدان عینی و غیرنظامیانی که از این شهر فرار کرده بودند، نوشته است: «کشتار دسته‌جمعی، تجاوز گروهی، جست‌وجوی خانه به خانه و جوخه مرگ طالبان، تنها بخشی از وحشتی است که از زبان غیرنظامیانی که قندوز را ترک کرده‌اند، شنیده می‌شود».

مسئلاً آنچه را که شاهدان عینی گفته‌اند و نهادهای بین‌المللی تأیید کرده‌اند، بخشی از جنایات نابخشودنی طالبان در این شهر است. بدون شک، سطح و حجم جنایات طالبان بیشتر از آن چیزی است که فعلاً از آن سخن گفته می‌شود. این گروه جنایات ضد بشری زیادی را در حق شهروندان غیرنظامی این شهر انجام داده‌اند که با گذشت زمان مشخص خواهد شد.

مسئله اصلی این‌جاست که طالبان هیچ پیامی برای مردم افغانستان دال بر امنیت و صلح ندارند و در گذشته هم نداشته‌اند. حوادث کندز نشان داد که طالبان همچنان بر مواضع گذشته خود ایستاده‌اند و حضورشان برای مردم چیزی به‌جز ویرانی و مرگ بوده نمی‌تواند. تجربه کندز شاید برای آن عده از طرفداران طالبان در بخش‌هایی از کشور که در انتظار احیای حاکمیت آن‌ها بوده‌اند، آموزنده و تأثیرگذار بوده باشد. نباید فریب خود و فکر کرد که طالبان با حضور خود می‌توانند صلح و امنیت بیاورند. این گروه با قرانت فاشیستی از آموزه‌های دینی، همواره در پی ساختن جامعه‌یی است که در آن انسان‌ها حق زیست انسانی را از دست می‌دهند و به عروسک‌هایی برای اهداف آخرالزمانی یکی از بدنام‌ترین پدیده‌های جهان یعنی تروریسم بدل می‌شوند.

کندز، ای مادر خونین‌جامه و برهنه‌تن؛ ای نشسته در سوگ و غرق در ماتم، مرا ببخش که بدفرزندی بوده‌ام برایت! کندز، ای بابای محاسن سفید شسته در خون و خم گشته قامت سروت از ضرب چوب هیولاهای بی‌فرهنگ و بی‌مذهب؛ مرا ببخش که بد متکایی بوده‌ام برایت! کندز، ای خواهر آشفته و هراسانم، ای افتاده در پای ددانی دژصفت و اهریمن‌خصلت؛ مرا ببخش که بد برادری بوده‌ام برایت! کندز، ای برادر مهربان و غمگینم؛ به خدا قسم صدای ناله‌هایت را در زیر شلاق بیدادگران می‌شنوم، حس می‌کنم و از درد به خود می‌پیچم و با تمام وجود فریاد می‌زنم: برادرم مرا ببخش که بد برادری بوده‌ام برایت! کندز، ای دیار خوب و نازنینم مرا ببخش که همچون همیشه‌ها جز سکوت کاری نکرده‌ام برایت!

می‌دانم که چه بر تو گذشت و بر فرزندانم و با این همه آب از آب تکان نخورد و هیچ کسی کاری را که باید می‌کرد، نکرد. دشمنانت در تباری با بدترین‌های زمان، بر تو و فرزندانم هجوم آوردند و جنایاتی مرتکب شدند که کمتر کسی با کسی می‌کند. از رییس‌جمهور تقلبی و تحمیلی تا مشاور مریض و مرموز شورای امنیت و پایین‌تر از آن‌ها، همه یکسان و همسان دست در دست هم دادند و زمینه‌سازی کردند تا پیکرت خونین گردد و قلبت توفانی.

تو در قلب من استی کندز! درد تو درد من است کندز! زخم تن تو زخم قلب من است کندز!

می‌دانم که سلاحی جز قلم، و مرمی‌یی جز واژه‌هایی غمگین‌تر از خودم ندارم. اما یقین دارم که همین قلم و همین واژه‌ها اگر درست و به‌جا استفاده شوند، فاشیسم را نابود و تروریسم را زمین‌گیر می‌سازند.

یقین دارم که سپاهی به مراتب بیشتر از شمار واژه‌های من به یاریات خواهد شتافت و توطیه‌ها را خنثا و شرارت‌پیشه‌ها

را ناکام خواهد ساخت.

می‌دانم که باورش برای بی‌باورها دشوار است، اما من باور دارم که ایمان به مراتب قوی‌تر از بمب‌افکن‌های امریکایی و تروریست‌های بین‌المللی است.

می‌دانم که هر کدام به تنهایی قطره‌یی بیش نیستیم ولی اگر ما شدید و یک‌جا، دریایی می‌شویم که هیچ ظالم و ستمگری را یارای مقاومت در مقابل ما نمی‌ماند. درست همانند اتحاد جماهیر شوروی، هیولایی به مراتب بزرگ‌تر از ایالات متحده امریکا.

می‌دانم که صدایم بیشتر از آن ضعیف است که در میان این همه هیاهو، به گوش هم‌سرنوشت‌هایم برسد؛ از پنجشیر تا بدخشان و پروان و کاپیسا، از بلخ تا هرات و فراه و غور زیبا و تا شهرهای شبرغان و ایبک و تالقان و تا دورترین روستاها و قریه‌های این دیار و این خطه و این سرزمین.

اما یقین دارم که آن روز دور نیست که این صداها امواجی گردند که گوش هستی را کر کنند و مستبدان را از روی هستی ساقط. آری این‌جا وطن من است و من قطره ناچیزی از دریای خروشان مردمم هستم.

اگر غلامکی دست در دستان سیاه غلامی دیگر می‌نهد و قصد توطیه علیه مردم می‌کند، باید بدانند راه‌شان اشتباه است و مسیرشان بی‌فرجام و در نهایت جز شرمندگی بزرگ، چیزی نصیب‌شان نخواهد شد.

آری من از تبار سلاطین غزنه‌ام؛ همان‌ها که بت‌ها و بت‌پرستان را یکسان در هم کوبیدند تا دیگر بت‌پرستی هوس‌باده‌پرستی نکند این‌جا.

من پیرو و هم‌سنگر شیر دره‌های پنجشیر هستم؛ قهرمانی بی‌بدیل و رزم‌آوری بی‌پیشینه. من با همه ناتوانی‌ام توانا هستم و با همه ضعفم قدرتمند. زیرا درس‌خوانده مکتبی هستم که در آن هنوز واژه‌یی به نام شکست و تسلیم راه نیافته است.

من با همه کوچکی‌ام، رهرو بزرگ‌مردی هستم که بزرگان جهان سر بر آستانش نهاده

و زبوانه در برابرش کرنش کردند. من فرزند جهاد هستم، برادر مجاهد و رفیق جاودانه شهادت.

من هستم مفتخر به داشتن فرماندهی که جز در برابر خدا، تسلیم هیچ قدرتی نشد و با زنده‌گی‌اش رمز مردانه زیستن و با شهادتش راه جاودانه ماندن را یادمان داد.

اکنون و در نبود قهرمان؛ من این‌جا هستم بر بلندای بلندترین قله‌های درد. فریاد می‌زنم تا همه آزاده‌گان جهان بشنابند؛ به یاری من، به یاری تو، به یاری ما. ای کندز من دردمند و خسته‌ام!

من این‌جا هستم با چراغی در دست. در انتظار همه چراغ به دستان دنیا تا همه با هم به جان ظلمت افتمیم و بنیادش براندازیم. من این‌جا هستم تا همه آزاده‌گان را از هر قوم و قبیله و تیره و تباری فرا خوانم تا دیار من عاری از هر دیو و ددی گردد.

من نمادی از مظلومیت این زمان هستم که هیچ‌گاهی قصد تسلیم در برابر ظالم ندارد. من عاصی‌یی استم که عصیان در مقابل ترور را مقدس‌ترین عبادت می‌دانم و طغیان در برابر طاغوت را سعادت جاودانه و ماندگار می‌انگارم.

این است باور من، عقیده من، مکتب من و مذهب من. تا زمانی در مقابل شیطان می‌ایستم و مقابله می‌کنم که سر بر آستان معنویت من فرود آورد و دست از شرارت و شیطنت در دیار من بکشد.

آری تروریستان! پیام ما به شما این است: شاید بتوانید شهرهای ما را خراب و جوانان ما را شهید و امنیت ما را برهم زنید؛ اما در نهایت آن‌که می‌بازد، شما هستید و برنده‌گان واقعی این معرکه و مبارزه، ما هستیم و مردم ما و کشور ما؛ همان‌هایی که هیچ‌گاه روح‌شان را تسلیم شیطان نکردند و دست در دست اهریمن ندادند و در مقابل حق قرار نگرفتند و حامی بی‌قید و شرط باطل نگردیدند!

نگرانی نهادهای حقوق بشری از فاجعه بشری در کندز

معاون دوم ریاست اجرایی: کنار زدن مجاهدین یکی از علت‌های سقوط کندز است



دشمن مدارس زیادی را ایجاد کرده بود و چندین بار رسانه‌ها از آن انتقاد کردند و گفتند که ممکن است در این مراکز تروریسم تقویت شود در حالی که حکومت بی‌اعتنایی کرد

نهادهای مدافع حقوق بشر از وضعیت بشری در کندز ابراز نگرانی کردند. این نهادها می‌گویند غیرنظامیان به عنوان سپر انسانی استفاده می‌شوند و طرف‌های درگیر باید برای حفظ جان ملکی‌ها بکوشند.

گروه هماهنگی عدالت انتقالی که متشکل از چند نهاد مدافع حقوق بشر است روز یکشنبه طی کنفرانسی در کابل نسبت به وقوع یک فاجعه بشری در کندز ابراز نگرانی کرد.

در اعلامیه‌یی که از سوی این گروه نشر شد آمده است که ده‌ها تن از اسیران جنگی در کندز کشته و زخمی شده و یا به شکل غیرانسانی مورد شکنجه قرار گرفته‌اند. گروه هماهنگی عدالت انتقالی ابراز نگرانی کرده است که زنان و دختران به صورت فردی و گروهی مورد تجاوز جنسی قرار گرفته و اموال دارایی خصوصی مردم تاراج شده است.

نگرانی دیگر فعالان حقوق بشر این است که ساکنان شهر کندز بین طرف‌های جنگ گیر مانده و به غذا، آب و برق دسترسی ندارند. این فعالان بمباران شفاخانه داکتران بدون مرز را نیز محکوم کرد و از طرفین درگیر خواست تا به مکان‌های صحتی و بشر دوستانه حمله نکنند.

عبدالله احمدی یک تن از اعضای گروه هماهنگی عدالت انتقالی گفت: «خواست ما این است که به قضایای کندز رسیدگی شود. در ابتدا باید از حوادثی که در کندز اتفاق افتاده، مستند سازی شود بعد به هر قضیه رسیدگی شود.»

فعالان حقوق بشر تاکید کردند که عاملان جنایات بشری در ولایت کندز نباید معاف شوند. آن‌ها گفتند معافیت از مجازات می‌تواند به گسترش نقض حقوق بشر انجامد و ناقضان حقوق بشر با دستان باز تر دست به کشتار، تجاوز و چپاول بزنند.

گروه هماهنگی عدالت انتقالی همچنین تاکید کرده که به منظور تامین عدالت و جلب اعتماد مردم،

آواره شده و به کابل آمده‌اند به دوپچه وله گفتند که وضعیت در داخل شهر هنوز خطرناک است و کسی جرات نمی‌کند از خانه‌های شان بیرون شوند. حامد یک باشنده کندز گفت طالبان در خانه‌های مردم جای گرفته‌اند: «مشکلی که فعلا پیدا شده، طالبان در بین خانه‌های مردم جابجا شده و به خانه‌های دیگر سوراخ کرده و برای خود راه ساخته‌اند. اگر حکومت به یک خانه برود، طالبان از این راه‌ها به خانه‌های دیگر می‌روند.»

ساکنان کندز از وضعیت وخیم بشری در داخل این شهر شکایت دارند. حامد افزود هیچ کسی در امان نیست: «مردم در سرک‌ها کشته شده و بر روی سرک افتاده‌اند. من شاهد صحنه‌ای بودم یکی از دوستان ما در کوچه سینما کشته شد وقتی که برادرش را برادر زاده‌اش رفتند که جنازه‌اش را بیاورند، برادرش را هم کشتند. فعلا برادر زاده‌اش زخمی شده و در شفاخانه است.»

در همین حال حکومت گفته است که شهر کندز به زودی از وجود طالبان پاکسازی خواهد شد. ساکنان محلی می‌گویند که هنوز درگیری‌ها در داخل شهر جریان دارد و تمام مغازه‌ها مسدودند.

کمیسون‌های توظیف شده دولت برای بررسی قضایای کندز، تشریفات نباشند و باید بررسی همه‌جانبه و بی‌طرفانه را در مورد عوامل سقوط کندز انجام داده و یافته‌های شان را به اسرع وقت با مردم شریک سازد.

مدافعان حقوق بشر در این کنفرانس تاکید کردند که حکومت باید آمادگی‌های کافی برای جلوگیری از وقوع جنایات بشری در شهرهای دیگر افغانستان داشته باشد. این در حالیست که خبر سقوط ولسوالی‌ها در بدخشان و سرپل نیز به نشر رسیده است.

یونس اختر عضو دیگر گروه عدالت انتقالی گفت طالبان مدارس زیادی را در کندز ایجاد کرده بودند که از آن به عنوان مراکز فعالیت‌های تروریستی نیز استفاده می‌شد. او گفت حکومت پس از این نباید به این مراکز تروریستی اجازه فعالیت دهد: «دشمن مدارس زیادی را ایجاد کرده بود و چندین بار رسانه‌ها از آن انتقاد کردند و گفتند که ممکن است در این مراکز تروریسم تقویت شود در حالی که حکومت بی‌اعتنایی کرد.»

در همین حال ساکنان شهر کندز که از این شهر

محمد محقق، معاون دوم ریاست اجرایی گفته است چندین تن به اتهام خیانت در پیوند به سقوط شهر کندز به دست طالبان بازداشت شده‌اند.

او گفته است بسیاری از طالبان به گونه پنهانی از سایر ولایت‌ها به کندز منتقل شده بودند.

آقای محقق تاکید کرده که یکی از علت‌های سقوط کندز به دست طالبان، کنار زدن مجاهدین در این ولایت بوده است.

کندز، ولایتی است که در چهارده سال پسین برای نخستین بار به دست طالبان سقوط کرد.

گزارش‌ها می‌رسانند که در سقوط کندز برخی از افراد حکومت در این ولایت همکاری کرده‌اند.

اکنون محمد محقق، معاون دوم ریاست اجرایی گفته است بررسی‌ها برای شناسایی کسانی که در سقوط کندز دست داشته‌اند آغاز شده و برخی افراد نیز بازداشت شده‌اند.

آقای محقق از این افراد نام نبرده است.

دست کم یک هفته می‌شود که نبرد سنگین در ولایت‌های کندز، بغلان، تخار و بدخشان جریان دارد.

وزیر امور داخله و رییس عمومی امنیت ملی در نشست سری مجلس نماینده‌گان یکی از عوامل سقوط کندز را اجازه ندادن شورای امنیت ملی برای پاک‌سازی طالبان در این ولایت گفته‌اند؛ اما معاون ریاست اجرایی می‌گوید که موضوع عملیات کندز در نشست شورای امنیت ملی که رهبران حکومت در آن حضور دارند، مطرح نشده است.

گفته‌های آقای محقق در حالی است که همواره مقام‌های ارشد دولتی و سیاسی از نفوذ مخالفان مسلح دولت در نهادهای امنیتی انتقاد کرده‌اند.

به باور آنها اگر ستون پنجم کشورهای همسایه و طالبان در نهادهای دولتی برچیده نشود، آینده افغانستان مبهم خواهد بود.

نش اولویت در پیوند به رویداد کندز



عزیزالله آریافر

۱. جلوگیری از تفرقه و ایجاد جبهه واحد و چند بعدی علیه ترورستان
۲. مستند سازی و انتقال پیام تجاوز طالبان بر عزت و ناموس مردم و ارتکاب جرایم علیه بشریت در کندز به تمام مردم جهان؛ چون تلاش‌های قابل ملاحظه‌یی وجود دارد تا بر این جرایم بزرگ ضد بشری سرپوش گذاشته شود.
۳. ایجاد سیستم دفاع خودی در کنار نیروهای امنیتی برای دفاع از ناموس، جان و مال مردم.
۴. حمایت قاطع از نیروهای دفاعی و امنیتی و تقویة روحیة دفاعی آنها
۵. مجازات تمام عاملان درون دولتی و بیرون دولتی سقوط کندز به عنوان مرتکبین خیانت علیه کشور مطابق ماده اول و دوم قانون جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی.
۶. عادلانه سازی ساختار و تقسیم قدرت و گماشتن چهره‌های یک رویه و وطن‌دوست در نهادهای دولتی به ویژه نهادهای ارتشی و امنیتی

اوباما حمله بر شفاخانه پزشکان بدون مرز را یک تراژدی خواند

سازمان پزشکان بدون مرز با «وحشیانه» خواندن این حمله، گفته است که ساختمان این شفاخانه از اثر این حمله به شدت آسیب دیده است. این سازمان خواهان تحقیقات آزاد و بی‌طرفانه و توضیحات درباره این حمله شده است.

این شفاخانه در کندز ۹۲ بستر دارد، اما با افزایش شمار زخمیان در چند روز اخیر، شمار بستریایش را تا ۱۵۰ افزایش داد

به گفته مقام‌های سازمان پزشکان بدون مرز، این حمله پس از آن صورت گرفت که آن‌ها موقعیت این شفاخانه را از طریق جی‌پی‌اس به نیروهای ناتو و افغانستان مشخص کرده بودند.

این حمله زمانی صورت گرفته که شفاخانه پر از بیماران و پزشکان بوده است. مقام‌های این سازمان افزوده‌اند که ساختمان اصلی شفاخانه، بخش مراقبت‌های جدی، اتاق عاجل و بخش فیزیوتراپی «بسیار دقیق» و به صورت مکرر هدف قرار گرفته‌اند؛ در حالی که ساختمان‌های اطراف آن کاملاً سالم باقی مانده‌اند.

این در حالی است که پس از بمباران بیمارستان پزشکان بدون مرز و شدت جنگ در کندز، پزشکان این بیمارستان از شهر متواری شده‌اند. عبدالمنان، آخرین پزشکی که از بیمارستان مرکزی کندز فرار کرده است، می‌گوید که وضعیت در شهر کندز بسیار بحرانی است؛ به همین دلیل همه کارمندان بیمارستان فرار کرده‌اند.

از سوی دیگر، شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد گفته است که حمله هوایی به شفاخانه شهر کندز اگر به گونه عمدی صورت گرفته باشد، می‌تواند یک جنایت جنگی محسوب شود.

گروه طالبان هفته پیش در حمله‌یی گسترده به شهر کندز، اداره این شهر را به دست گرفتند، اما پس از سه روز، نیروهای امنیتی افغانستان با حمایت هوایی نیروهای ناتو، بخش‌هایی از شهر را دوباره تصرف کردند.

گفته می‌شود شماری از نیروهای نظامی آلمان به هدف همکاری با نیروهای امنیتی افغانستان و بازپس‌گیری ولایت کندز از طالبان، به این ولایت فرستاده شده‌اند.



باراک اوباما، رییس جمهور آمریکا حمله هوایی نیروهای ناتو به شفاخانه پزشکان بدون مرز در ولایت کندز افغانستان را یک «تراژدی» خوانده و گفته است که وزارت دفاع کشورش تحقیقات گسترده‌یی را در این باره به راه انداخته است.

بان کی‌مون، سرممنشی سازمان ملل متحد نیز این حمله را نکوهش کرده و خواستار تحقیقات بی‌طرفانه و جامع در پیوند به این رویداد شده است.

در حمله هوایی شب جمعه (۱۰ میزان/مهر) نیروهای ناتو بر این شفاخانه، دست‌کم ۱۹ تن، به شمول ۱۲ کارمند سازمان پزشکان بدون مرز و ۷ بیمار، کشته و ۳۷ تن دیگر زخمی شدند.

آقای اوباما در اعلامیه‌یی گفته است که قبل از گرفتن تصمیمی درباره این رویداد، نخست باید منتظر بود تا نتیجه تحقیقات مشخص شود.

بخش چهارم و بیانی

آیا می توان در برابر زوالِ شناختی مقاومت کرد؟



آشیل وینبرگ

برگردان: محمد باغی

منبع: Sciences Humaines

تا کنون روش کاوشیما به موضوع قابل انتشاری در مجله‌های علمی معتبر تبدیل نشده است. استاد روان‌شناسی شناختی، آلن لیوری، روش کاوشیما را به همان ترتیب تجربه کرده و بی‌اثر بودن آن را اعلام کرده است [۱۱].

در سال ۲۰۱۰، مجله «طبیعت» نتایج آزمایشی را که در سطحی گسترده بر روی ۱۱۴۳۰ داوطلب اجرا شده بود، منتشر کرد. این افراد در طول ۶ هفته خود را با تمرین‌هایی به منظور افزایش قدرت استدلال، حافظه، چابکی چشمی-محیطی (visuospatiales) و دقت و رزیده کردند. در هر نوع از تمرین‌های دقیقی که افراد انجام داده بودند، پیشرفت‌های خوبی مشاهده شد؛ اما در این نتایج، تبادل قابل توجهی در استعدادهای نزدیک به هم مشاهده نشد. به بیان دیگر، شما می‌توانید با انجام محاسبات ذهنی با خود تمرین کنید؛ بدون تردید در انجام این محاسبات پیشرفت خواهید کرد، اما هیچ چیز نشان‌دهنده آن نیست که این پیشرفت قابل انتقال به دیگر توانایی‌های ذهنی یا به‌کارگیری همان فرآیندهای شناختی باشد. بنابراین، پیشرفتی عام در توانایی دقت، تمرکز یا حافظه کاری وجود ندارد [۱۲].

انعطاف‌پذیری شناختی

انعطاف‌پذیری شناختی (یا ذهنی) عبارت است از توانایی تغییر راهبرد ذهنی برای حل یک مسأله. این مسأله در روان‌شناسی به‌وسیله آزمایش‌های تغییر رنگ‌ها (برای مثال: افزودن دو شماره هنگامی که قرمز به نظر می‌رسند و بیرون کشیدن آن‌ها هنگامی که آبی به نظر می‌آیند) انجام می‌شود. مطالعه انعطاف‌پذیری شناختی، اهمیت بالایی در ۱۵ سال گذشته پیدا کرده است؛ زیرا با کُند شدن عکس‌العمل و به‌کارگیری اطلاعات ذخیره شده در حافظه کاری، این موضوع به عنوان بخشی از فرآیندهای مرکزی کنترل‌شناختی نگریسته می‌شود.

انعطاف مغز

انعطاف مغزی نشان‌دهنده توانایی مغز در تطبیق خود در جریان زنده‌گی است. گونه‌های مختلفی از انعطاف وجود دارد. انعطاف محل تلاقی نرون‌ها (synaptique) به آموزش بسته‌گی دارد (هر شناخت نو یا قابلیت نیازمند آن است که ارتباطات جدید نرونی برقرار شود). انعطاف محل تلاقی نرون‌ها در تمامی طول زنده‌گی ادامه می‌یابد. همچنین خود نرون‌ها نیز انعطاف‌پذیرند یا فضاهای مغزی وجود دارد. اما انعطاف‌پذیری امری کاملاً نسبی است و به نقش‌های مورد نظر و سن فرد بستگی دارد. نظریه‌یی که بر اساس آن، مغز به طور دایم تحت تأثیر انعطاف‌پذیری به سازمان‌دهی مجدد خود می‌پردازد، نظریه غلطی است.

حافظه کار

حافظه کار که قبلاً حافظه کوتاه‌مدت نامیده می‌شد (در مقایسه با حافظه درازمدت)، به حافظه موقت دلالت می‌کند، که برای مثال هنگامی که یک محاسبه ذهنی به‌عمل می‌آید، برای بازیابی محاسبات واسطه‌یی مورد استفاده قرار می‌گیرد. امروزه و در ادامه کوشش‌های «آلن بدولی» (Alan Baddeley) حافظه کار معنای مهم و عمومی‌تری یافته است. این حافظه نشان‌دهنده محل کنترل و مرکزیت عملیات‌های ذهنی آگاهانه مورد استفاده به هنگام اقدامات پیچیده است. جایگاه آن نیز کورتکس درون‌پیشانی است.

بازداری

زمانی که کوشش می‌کنیم به زبانی خارجی که به آن تسلط کافی نداریم، سخن بگوییم و به شرح یک نظریه یا نشان دادن چیزی بپردازیم، برخی از کلمات زبان مادری‌مان به صورت غیرارادی بر زبان ما جاری می‌شوند. در این هنگام کوششی ذهنی لازم است تا آن‌ها را حذف کرده و با کلمات زبان خارجی جایگزین نماییم. در روان‌شناسی شناختی، حذف کردن مفهومی تیوریک است که از فرآیند خود کنترلی گزارش می‌دهد، که کوششی برای ممانعت از ارایه جوابی نیندیشیده و جانشین کردن جوابی مناسب‌تر به جای آن است.

بخش نخست

دموکراسی اجتماعی جهانروا از فرصت واقعی برخوردار است روابط میان جامعه و همین‌طور عدالت و همبستگی را با یکدیگر همگام کند. با این هم، قطعاً این‌جا جای آن نیست که برنامه سوسیال دموکراسی جهانی را، همان‌طور که من نام می‌نهم، به تفصیل باز کنم. برعکس، به‌جاست جمع‌بندی اولیه‌یی درباره مجادلات بی‌پایان در مباحثه جهانی شدن داشته باشیم. به همین جهت، من مایل‌م برخی از اسطوره‌های رایج جهانی شدن را به اختصار مقایسه کنم و بر پایه‌یی از نیروهای محرکه و چالش‌های اساسی آن دست نهم.

ردّ اسطوره‌های جهانی شدن

در تحقیقات، کماکان اتفاق نظری در این‌باره حاکم نیست. چه‌گونه باید روندهای مرکزی جهانی شدن و تأثیر آن‌ها را در عمل ارزیابی کرد، هرچند در مطالعات اخیر تا حدی می‌توان در این زمینه که جهانی شدن چی نیست، موافقت تشخیص داد. آغازگاه مفید برای تأملات ذیل این است که تعاریف سلبی را تعیین کنیم.

۱) جهانی شدن معادل امریکایی شدن نیست

جهانی شدن را نمی‌توان مترادف امریکایی شدن یا امپریالیسم غرب دانست. هرچند تبلیغات جهانی شدن و برخی از جنبه‌های اصلی آن قطعاً به منافع نیروهای قدرتمند اقتصادی و اجتماعی در غرب خدمت می‌کند، اما گسترش ساختار بنیادی سامانه جامعه مدرن، موتور عمده آن است. این تحول از جمله در افزایش تجارت جهانی، ایجاد سیستم‌های جدید اطلاع‌رسانی، تکامل حقوق بین‌الملل و قواعد بین‌المللی، و همین‌طور در تغییر و تحولات جهانی، شرایط زیست‌محیطی آشکار می‌شود. برای شکل جهانی‌روایی اقتصادی ایالات متحده امریکا، وقتی هم نه بازیگر کلیدی (این به‌خصوص برای معاهده تجارت و مالی جهانی کنونی صدق است که در آن امریکا در مجموع تضمین می‌کند که این معاهده برای منافعش سودمند است)، یک بازیگر کلیدی هستند و می‌مانند، اما جایز نیست این را به فراموشی سپرد که سهم بنگاه‌های اقتصادی امریکا برای نمونه یک‌پنجم واردات جهانی و یک‌چهارم صادرات جهانی است. جهان‌روایی پدیده محض امریکایی نیست.

۲) رقابت عنان‌گسیخته‌یی بر سر کاهش هزینه‌های اجتماعی و تنزل سطح به‌وقوع نپیوسته است

نگاه سطحی به تکامل کشورهای اروپایی در بیست سال گذشته نشان می‌دهد که آن‌ها به‌رغم تغییرات جهانی اقتصادی نظام‌های اجتماعی خاص خود را حفظ کرده‌اند. حکومت‌های اجتماعی اروپایی به سوی «یک الگو» متحول نشده‌اند. کثرت آن‌ها شاهدهی است بر اهمیت پایدار ساختارهای دولت ملی و سنت سیاسی ملی و همین‌طور نفوذ ویژه‌گی‌های فرهنگی و منطقه‌یی. فقدان رقابت بر سر شرایطی که برای بنگاه‌های اقتصادی به‌صرفه است، نشان از آن دارد که نهادهای سیاسی کماکان مهم‌اند. آن‌ها به هیچ وجه از کار افتاده نیستند و قطعاً می‌توانند توافقاتی میان رهبران عاملین اقتصادی و سیاسی شکل دهند. علاوه بر این، نهادهای قوی ملی نقش کلیدی بر عهده می‌گیرند، وقتی باید بر مسأله بازتوزیع پیامدهای حاصل از جهانی شدن غلبه کرد. دولت‌هایی با چتر حمایتی اجتماعی در تمام عرصه‌ها، دموکراسی نماینده‌گی (حق رأی نسبی)، جنبش کارگری قوی و همین‌طور قراردادهای الزامی سرتاسری ثابت می‌کنند که آن‌ها قادرند تأثیرات منفی بالقوه حرکت سرمایه بین‌المللی را کاهش داده، و در برخی موارد حتا اهمیت بخش دولتی را ارتقا دهند. بازارهای جهانی حکومت‌های اجتماعی قوی را به‌خاطر میزان بالای امنیت اجتماعی تنبیه نمی‌کنند. کشورهای در حال رشد روی هم رفته در برابر تحول اقتصادی جهانی عمده‌تا سپر دفاعی ندارند و تنها سطح نازلی از خدمات اجتماعی را می‌توانند تضمین کنند؛ اما متفاوت بودن آنان در این کشورها نیز اهمیت نهادهای سیاسی و سیاست معقول حکومتی را در حین تشخیص و تعیین سنجه اجتماعی و شرایط کار به نمایش می‌گذارد. قطعاً، این قواعد نیز، مانند قواعد کشورهای صنعتی، به‌راحتی از اعتبار ساقط نمی‌شوند، وقتی در ارتباطی بزرگ‌تر بر بستر سنن و نهادهای ملی انجام بگیرند.

در علوم اقتصاد، سیاست و حقوق درباره جهانی شدن به‌شدت بحث و مجادله می‌شود. در این بحث، محققان در خصوص بسیاری از جوانب پیکره جهانی شدن و مسیر تکامل آن اتفاق نظر ندارند. هم در جهان دانشگاهی (آکادمیک) هم در خیابان‌ها، از سیاتل گرفته تا ژنیو، از ریو دوژانیرو تا کانتون، نبرد بر سر تعریف و مفهوم جهانی شدن در گرفته است. در سال‌های گذشته هم‌زمان با اجلاس سران کلیه سازمان‌های مهم جهانی و منطقه‌یی، از جمله بانک جهانی، صندوق جهانی پول، سران هشت کشور صنعتی دنیا (جی ۸)، اتحادیه اروپا و سازمان همکاری اقتصادی آسیا پاسیفیک تظاهرات توده‌یی برگزار شد که جنبش‌های ضدسرمایه‌داری یا ضد جهان‌گیری برگزارکننده‌گان آن بودند. آن‌ها صفوف خود را از طیف گسترده‌یی از اقشار اجتماعی و نهادهای غیر دولتی از آنارشیست‌ها تا فعالان محیط زیست پُر می‌کنند و عامل قدرت در مبارزه علیه جهان‌گیری هستند. از دید آن‌ها، جهان‌گیری حمایت دولت از منافع بنگاه‌های اقتصادی است.

یکی از دلایل مجادلات حاد بر سر جهانی شدن، تغییر کامل ارتباطات جهانی است. از زمره عمده‌ترین عوامل جهانی شدن، تحول جهانی صنایع ارتباطی در پی انقلاب تکنالوژی اطلاعاتی شمره می‌شود. امکانات جدید ارتباطات و اطلاع‌رسانی نه تنها ساختار فعالیت‌های اقتصادی جهانی را از اساس دگرگون کرده است، بلکه سیاست را به ماهو هم تغییر داده است. آن‌چه در بخشی از جهان اتفاق می‌افتد، به سرعت در بخش دیگری پخش می‌شود، و همین‌طور برعکس. رسانه‌های جدید می‌توانند جزر و مدی از کنش و واکنش به‌راه ببندازند. و با این همه، این یکی از دلایل بالا گرفتن مجادله بر سر جهانی شدن

اسطوره‌های جهانی شدن



ترجمه: کوروش برادری

است. انسان‌های فرهنگ‌ها، کشورها و مناطق مختلف، طعم جهانی شدن را به شیوه‌های مختلفی می‌چشند، و با این حساب، خاطرات بسیار متفاوتی هم از آن دارند. جهانی شدن فی‌نفسه واقعا جدید نیست، با این حال مراحل مختلفی در دو هزار سال گذشته طی کرده است. از جمله هنگام تکوین ادیان جهانی، در دوران کشف امریکا، و گسترش امپراتوری‌های جهانی. وقتی اروپاییان در بیش از پنج‌صد سال قبل جهان را صاعقه‌وار تسخیر کردند و مناطق جهان را که تا پیش از آن از هم منزوی بودند با یکدیگر مرتبط ساختند، تنها تکنالوژی‌های مدرن و اشکال اقتصادی در چمدان نداشتند، بلکه همین‌طور اشکال جدید سربوب سیاسی و استثمار. تجارب و یادگارهایی که از این مراحل نخستین جهانی شدن ریشه می‌گیرند، علاوه بر فرصت‌ها، خطرات و تهدیدهای پیوند جهانی را ادامه می‌دهند. در بسیاری از نقاط جهان این گرایش سنتی حی و حاضر و کماکان عامل تعیین‌کننده است برای این‌که چه‌گونه جهانی شدن اکنون ارزیابی می‌شود، با آن پیکار می‌شود و تحت تأثیر قرار می‌گیرد. متعاقباً، اگرچه جهانی شدن آن شبکه‌بندی فراینده جمعیت جهان را تدارک می‌بیند، اما به‌طور خودکار شالوده تجربه مشترک، نظریات یا ارزش‌های مشترک به‌وجود نمی‌آورد. تنها اتحاد جدید جهانی (global covenant)

جهانی شدن، نخست دلالت بر دگرگونی یا گسترش سازمان‌های تنظیم‌کننده همزیستی انسانی دارد که از پی آن، میان اجتماعات بسیار دورافتاده ارتباط به‌وجود می‌آید و همه مناطق جهان در هیرارشی قدرت ادغام می‌شود. این تحول را می‌توان دنبال کنیم، وقتی توسعه خارق‌العاده و شدت فراینده شتابان‌سازی و پیامدهای فراگیر جریان‌ات فراقاره‌یی و میان‌کنشی‌های اجتماعی را هر روز مورد بررسی قرار دهیم. جهانی شدن، میزان بالایی از فعالیت‌های فرامرزی و تعداد متنوعی شبکه‌های پایدار از جمله اقتصادی، سیاسی، حقوقی، اجتماعی و زیست‌محیطی فراهم می‌کند، اما لزوماً ضامن جامعه جهانی هماهنگ یا یکی‌سازی کامل ملیت‌ها و فرهنگ‌ها نیست؛ زیرا وقوف بر ارتباط عمیق با هم بودن نه‌تنها موجب تکوین فهم متقابل نیست، بلکه مبنای دشمنی‌ها و منازعات تلخ هم هست. جهانی شدن که بخش قابل توجهی از مردم جهان از مزایای آن محروم است، می‌تواند تضادهای خطرناکی پیش بیاورد منتها به‌واسطه ناهم‌زمانی ابعاد مختلفش با فرآیند جهانی که در سرتاسر جهان به شیوه یک‌سانی در حال تبلور است، از اساس فرق دارد.

جدل بر سر جهانی شدن
درباره مناسب بودن مفهوم «جهانی شدن» مجادله داغی در گرفته است. در دانشگاه‌ها،

۷. این که شرایط زیست محیطی بر نوع قضاوت انسانها اثر می‌گذارد، نزدیک به بدهات است. اثرپذیری را نباید ویژه انسان‌های مشخصی دانست که در مقطع زمانی خاصی زنده‌گی دارند، بلکه این قاعده عام و فراگیر است. انسان همواره در زمان و مکان می‌زید و با اثرپذیری از شرایط زمانی و مکانی، بر زمان و مکان خودش تأثیر می‌گذارد. اثرپذیری و تأثیرگذاری لازمه زنده‌گی بشر است که در هیچ مقطعی پنهان و پوشیده نبوده است. بنا بر همین واقعیت است وقتی امام شافعی به مصر می‌رود، بخش قابل ملاحظه‌ای از نظریات او تغییر می‌کند و مذهب جدید شافعی شکل می‌گیرد. به همین سان، دکتر قرضاوی نیز پس از رفتن به حج بیت‌الله در کتابی که پیرامون حج نوشته بود، بازنگری می‌کند، و دیدگاه‌های فقیهان دیگری نیز مشمول این قاعده است. این امر نشان می‌دهد که فقیهان مسلمان، و به تبع آن فقه اسلامی به پیمانه زیادی از ظروف زمانی و مکانی‌یی که در آن پرورده شده‌اند، اثر پذیرفته‌اند. توجه به زمینه‌های شکل‌گیری گروه‌ها و نقش محیط در تکوین فکرها باعث می‌شود تا این تنوع با متانت و خون‌سردی بسیاری تحمل شود و پیروان مذاهب و نحله‌های گوناگون، تسامح را جای‌گزین فرهنگ حذف و سرکوب‌گری سازند.

۸. در عصری که تخصصی شدن را در حوزه‌های مختلف می‌توان از لازمه‌ها و شاخص‌های آن شمار کرد، برخورد مسلمان‌ها با دین غیرتخصصی است؛ انگار دین یک کل منسجم و بخش‌های آن در حدی ارگانیک است که آموختن بخشی از آن، به معنای آموختن کل دین تلقی می‌شود. تخصصی شدن علوم دینی کمک می‌کند تا برخی ریشه‌های تندروی که با عدم تخصص ارتباط می‌گیرد از میان برود، و میانه‌روی مذهبی همگام با تخصص‌گرایی از حاشیه به متن کشیده شود. بسیاری از فتوای‌های سخت‌گیرانه دینی از حنجره کسانی بلند می‌شود که دانش کافی و تخصص لازم در این زمینه ندارند و با فتوای‌های عجولانه و بی‌پایه خویش، پایه‌های زیرین دین را آسیب می‌رسانند.

۹. بسیار واقع می‌شود که ما در درون جزئیات فرو می‌رویم و فرصتی نمی‌یابیم تا نگاهی پسینی و بیرونی به این جزئیات بیندازیم. فقدان نگاه بیرونی به احکام و بی‌اعتنایی در برابر قاعده‌مندی‌هایی که موجبات تغییر احکام را فراهم آورده است، باعث می‌شود تا زمان و زمین فتواها و نظریه‌های اجتهادگران نادیده بماند و ما به نظریه‌های ارایه‌شده، بی‌توجه به شرایط زمانی و مکانی آن‌ها چشم بدوزیم. نهایت یک‌چنین رویکردی جز به نگرش سخت‌جان و برخوردی سخت‌گیرانه نمی‌انجامد و برای رهایی از زنجیرهای سنگینی که آگاهانه یا ناآگاهانه به دور ما کشیده شده است، باید خودمان را

از درگیری‌های ریز و کوچک دین فرا بکشیم و از منظر پرند به مسایل و کلیت مسأله نگاه کنیم. در آن صورت، ناهمواری‌ها کم‌رنگ‌تر و تفاوت‌ها پذیرفتنی‌تر خواهد شد و ما با میانه‌روی بیشتری دآوری خواهیم داشت. توجه به فلسفه فقه به عنوان علم درجه دوم در این راستا بسیار بااهمیت است.

۱۰. آیات فرآنی بنا بر شهادت خود قرآن به دو دسته محکومات و متشابهات تقسیم می‌شود. در رابطه به این که علمای راسخ در علم می‌توانند معنای متشابهات را بدانند یا نه؛ دو گروه اهل تفویض و اهل تأویل شکل می‌گیرند. تأویل‌گراها بر لفظ جلاله الله وقف نمی‌کنند در حالی که اصحاب تفویض وقف می‌کنند و باقی آیه را به لحاظ معنایی مستقل می‌پندارند. این مسأله نشان می‌دهد که تعدد گروه‌های اسلامی دارای ریشه‌های درون‌دینی نیز می‌باشد و تفسیربرداری متون، زمینه‌های تعدد قرائت‌ها و فرق را نیز مساعد می‌سازد. ۱۱. پیامبر در روایتی از متفرق شدن امت اسلامی خبر می‌دهد و این که مسلمان‌ها به هفتادوسه فرقه تقسیم خواهند شد. این پیش‌بینی نشان می‌دهد که سمت‌بندی‌های اعتقادی‌یی که بعدها در میان مسلمان‌ها شکل گرفت، غیرمنتظره نبود، بلکه از پیش

توسط پیامبر پیش‌بینی شده بود. روایت فوق نشان می‌دهد که کلیه گروه‌ها جزو امت محمدی بوده و خارج از آن نیستند، کما این که عبارت «امت من به هفتادوسه فرقه تقسیم می‌گردند» نشان می‌دهد که همه این فرقه‌ها تحت چتر امت محمدی قرار دارند و بیرون از دایره آن نیستند.

۱۲. آیات و روایات زیادی وجود دارد که مسلمان‌ها را از افراط‌گرایی نهی کرده است و از عواقب و تبعات آن هشدار داده است. اسلام علی‌رغم هشدارهایی که در مورد افراطی‌گری داده است و نتایجی که تندروی دینی در قبال دارد، در پرتگاه افراطیت لغزیده است و عملاً گروه‌های افراطی بسیاری در دامان آن بنا بر هر دلیلی که بوده است - پرورده شده‌اند. از افراط‌گرایان لیبرال تا تندروان دینی، همه و همه یک‌جانبه می‌تازند و میانه‌روی را به عنوان یک اصل کلی و فراگیر از یاد برده‌اند.

۱۳. قرائت‌های افراطی از دین به‌حدی گمراه‌کننده است که تفسیرهای تفریطی از دین؛ و هیچ یک بر دیگری امتیاز ندارد. یکی دایره شمول حلال را در فقه وسعت

نمی‌گردد. این در حالی است که بخش کلانی از دین را اعتقادات و اخلاقیات دینی شکل می‌دهد که از آن همواره غفلت صورت گرفته است.

۱۶. حوادث و رویدادهای تاریخ همواره به گونه‌یی رقم خورده‌اند که در آن برخی منابع بسیار مورد توجه قرار گیرند و شماری منابع دیگر در حاشیه و تحت غبار باقی بمانند. گاه حوادث به گونه‌یی شکل گرفته‌اند که منابع دست‌چندم طرف توجه قرار گرفته، اما منابع اصیل و دست‌اول به باد فراموشی سپرده شده‌اند. با این توضیح، چنگ زدن به یکی از منابع و فروگذاردن منابع دیگر، زمینه‌های میانه‌روی دینی را محدود می‌سازد و افق وسیعی را که گذشته‌گان فراروی ما گذاشته‌اند، کوچک نشان می‌دهد.

۱۷. افراط‌گرایی دینی - چنان‌که دکتر قرضاوی نیز به آن توجه داده است - نفرت‌آور، گریزاننده، مقطعی و تجاوزکارانه است. تجربه‌های گذشته نشان می‌دهد که افراط‌گرایی با استبداد پیوند محکمی خورده است و عمدتاً در هر کجا استبداد چهره می‌نماید، افراط‌گرایی نیز حضور می‌یابد.

از افراط‌گرایی دینی تا میانه‌روی مذهبی



بخش هشتم و پایانی
عبدالبشیر فکرت بخشی، استاد دانشگاه کابل

دینی، شکاف‌های تاریخی میان گروه‌ها را فورانی می‌کند و تخاصم تاریخی را همچون سدّی فراروی آینده قرار می‌دهد. با این بیان، مقارنه‌یی خواندن علوم دینی، افق‌های تازه‌یی باز می‌کند و زمینه‌های گفت‌وگو و میانه‌روی را تقویت می‌بخشد. فقه مقارن می‌تواند تسامح مذاهب فقهی را به همراه داشته باشد و فراگیری علم ملل و نحل (ادیان و مذاهب) به شکل مقارنه‌یی، از آتش‌فشانی شدن شکاف‌های فرقه‌یی و دینی پیش‌گیری خواهد کرد.

فهرست منابع قرآن کریم

۱. ابن عابدین، مجموعه رسائل، ج ۲
۲. ابوالفداء إسماعیل بن عمر بن کثیر: ۱۴۲۰هـ - ۱۹۹۹م، تفسیر القرآن العظیم، المحقق: سامی بن محمد سلامه، ج ۳، الطبعة الثانية (دارالطیبة للنشر و التوزیع)
۳. أبو عبدالله محمد بن إسماعیل: ۱۴۰۷هـ - ۱۹۸۷م، الجامع الصحیح المختصر، تحقیق: د. مصطفی دیب البغا، ج ۱، الطبعة الثالثة (لبنان: بیروت - دار ابن کثیر)
۴. أبي الحسن علی بن إسماعیل الأشعری: ۱۳۶۹هـ - ۱۹۵۰م، مقالات الإسلامیین، محقق: محمد محی‌الدین عبدالحمید، الطبعة الأولى (مصر: قاهرة - مكتبة النهضة المصرية)
۵. اتین ژیلسون: ۱۳۸۵ هـ ش، نقد تفکر فلسفی غرب، ترجمه: دکتر احمد احمدی، چاپ دوم (ایران: تهران - سمت)
۶. أحمد بن الحسین بن علی بن موسی أبوبکر البیهقی: ۱۴۱۴هـ - ۱۹۹۴م، سنن البیهقی الکبری، تحقیق: محمد عبدالقادر عطا، ج ۱۰، ب ط (العریبة السعودیة: مکه المکرمة - مكتبة دارالباز)
۷. أحمد بن حنبل: ۱۴۲۰ هـ - ۱۹۹۹م، مسند الإمام أحمد بن حنبل، المحقق: شعيب الأرنؤوط و آخرون، ج ۵، الطبعة الثانية (مؤسسة الرسالة)
۸. حکیم‌پور، محمد، ۱۳۸۴ خورشیدی، حقوق زن در کشاکش سنت و تجدد، چاپ دوم، (ایران - نشر نعمة نواندیش).
۹. دادمحمد نذیر، ۱۳۹۲ هـ ش، درآمدی بر قواعد کلی فقهی، ۱۲۸، چاپ دوم (افغانستان: کابل - انتشارات رسالت)
۱۰. دادمحمد نذیر؛ تاریخ و مبادی فلسفه، چاپ دوم (افغانستان: کابل - انتشارات رسالت)
۱۱. دکتر سید حسین نصر: ۱۳۸۶ هـ ش، اسلام سنتی در دنیای متجدد، ترجمه: محمد صالحی، چاپ اول (ایران - دفتر پژوهش و نشر سهروردی)
۱۲. دکتر یوسف قرضاوی: ۱۳۸۶، افراط‌گرایی دینی، مترجم: عبدالرسول گلرانی، چاپ اول (ایران: تهران - احسان)
۱۳. شاه ولی‌الله دهلوی: ۱۳۸۹ خورشیدی، علل اختلاف فقها، ترجمه: محمد ابراهیم کیانی، چاپ اول (ایران: زاهدان - توحید)
۱۴. شیخ ابوزهره: بت، ابوحنیفه، الطبعة الثانية (مصر - دارالفکر)
۱۵. طبری، محمد بن جریر بن یزید بن کثیر بن غالب الأملی: ۱۴۲۰هـ - ۲۰۰۱م، جامع البیان فی تآویل القرآن، محقق: احمدمحمدشاکر، ج ۴، الطبعة الأولى (مؤسسة الرسالة)
۱۶. عبدالله نصری: ۱۳۸۹، راز متن، چاپ اول (ایران: تهران - سروش)
۱۷. مثنوی معنوی
۱۸. مجله علمی شرعیات، شماره اول دور دوم، حمل، ثور و جوزای ۱۳۸۹ خورشیدی، پوهنمل سید عنایت‌الله شاداب، ابوحنیفه بنیان‌گذار مکتب خردگرایی در فقه اسلامی
۱۹. محمد ابوزهره: ب ت، الشافعی، ب ط (مصر: قاهره - دارالفکر العربی)
۲۰. محمد بن حبان بن أحمد أبو حاتم التیمی: ۱۴۱۴هـ - ۱۹۹۳م، صحیح ابن حبان، تحقیق: شعيب الأرنؤوط، ج ۱۵، الطبعة الثانية (لبنان: بیروت - مؤسسة الرسالة)
۲۱. محمد حسین گنجی: ۱۳۸۷ هـ ش، کلیات گنجی، ص ۱۳ و بعدی، چاپ چهارم (ایران: تهران - سمت)
۲۲. ملا عبدالله احمدیان: ۱۳۹۰هـ ش، قرآن‌شناسی، چاپ چهارم (ایران: تهران - نشر احسان)

چند پیشنهاد آن‌چه در بالا یاددهانی کردیم، تک‌یافته‌هایی بود در راستای تشخیص بیماری‌یی به نام افراطی‌گرایی؛ بیماری‌یی که سراپای جامعه ما را فرا گرفته است و نشان‌دهی ریشه‌ها و علت‌های آن کمک می‌کند تا نسخه‌های مناسبی برای آن تجویز گردد و زمینه‌های نابودی این مرض ساری به صفر تقلیل یابد. توجه جدی به آموزش و پرورش و توحید نصاب درسی مدارس، می‌تواند یکی از راه‌های حل باشد که مکلفیت دولت‌ها در این عرصه سنگین‌تر است. در این میان، نقش رسانه‌های همه‌گانی نیز قابل ملاحظه است و باید طرح و پلان‌های کوتاه‌مدت، میان‌مدت و طویل‌مدتی ریخته شود تا از این بیماری مهلک نجات پیدا کنیم.

علمی که در مدارس دینی ما تدریس می‌شود، عمدتاً با نوعی تعصب فرقه‌یی و مذهبی همراه است. فرقه‌یی شدن علوم، زمینه‌های دید عمومی و نگرش فرافرقه‌یی را برمی‌چیند. این امر سبب می‌گردد که انرژی‌ها در راستای احیای کلیت دین صرف نشود، بل در جهت اثبات حقانیت دیدگاه‌های فرقه‌یی و گروهی به‌کار افتد. رویکردهای این‌چنینی و فرقه‌یی شدن دانش

می‌بخشد و دیگری اصل را بر حرمت می‌گذارد و تا دلیلی برای حلّیت پیدا نکنند، به حرمت فتوا می‌دهد. متأسفانه در جوامع اسلامی، به‌ویژه جامعه افغانستان، سخت‌گیری در دین نه تنها تفسیر نادرستی از دین دانسته نمی‌شود، بلکه نشانه اوج تقوا و پای‌بندی به دین نیز به‌شمار می‌آید. این در حالی است که رایه هر نوع نظریه جدید و موسع دینی با شک و تردید همراه بوده و با حربه تکفیر و تفسیق سرکوب می‌شود.

۱۴. میانه‌روی در اسلام معطوف به فروع و شاخه‌های دین نیست، بلکه تمامی ساحت‌های این دین را در بر دارد و اصلی از اصول دین به حساب می‌آید. وسطیت را باید در تمامی سطوح دین در نظر گرفت و میانه‌روی در اعتقاد، اخلاق و... را از نظر دور نداشت. اعتدال و وسطیت یکی از ممیزات دین مقدس اسلام است.

۱۵. یکی از نکاتی که جوامع اسلامی به آن گرفتارند، انتظارات کوچک و اندکی است که مردم از دین دارند. مردم انتظاری که از دین دارند، کوچک و روزمره است و دین را نیز در حد انتظارات خودشان تقلیل می‌بخشند؛ انگار دین فقط برای پاسخ دادن به پرسش‌های فقهی آنان آمده است و هیچ چیزی ماسوای آن را شامل

کودکان بلخ خواهان عدالت

برای قربانیان جنگ کندز شدند



شماری از کودکان بلخ در دفتر شورای عالی صلح این ولایت گردهم آمدند و خواهان عدالت برای آواره‌گان و قربانیان جنگ کندز، به ویژه کودکان قربانی این جنگ، شدند. این کودکان که دانش‌آموزان مکتب‌های گوناگون ولایت بلخ هستند، روز یکشنبه از طالبان خواستند که در حمله‌های شان کودکان را هدف قرار ندهند و هم‌چنان از آن‌ها به عنوان سپر استفاده نکنند. آن‌ها هم‌چنان می‌گویند که حکومت مکلف است تا زمینه آموزش و پرورش در فضای آرام و مناسب را برای کودکان فراهم کند.

کودکان بلخ ضمن غم‌شریکی با قربانیان جنگ کندز، تأکید کردند که حکومت نباید به بهانه صلح با طالبان، زمینه نیرومند شدن دوباره این گروه را مساعد سازد. سید محمد یزدان‌پرست، یکی از برگزارکننده‌های این گردهمایی، هدف از راه‌اندازی آن را هم‌بستگی میان کودکان بلخ و کندز و متوجه ساختن رهبران حکومت به وظایف‌شان می‌خواند. آقای یزدان‌پرست تأکید می‌کند که در حال حاضر جنگ در شمال، به یژه کندز، از کودکان قربانی می‌گیرد و بر ذهن و روان آن‌ها تأثیر منفی

حمایت ارتش از خیزش‌های مردمی



نهادهای امنیتی کشور در نظر دارند تا در حمایت از خیزش‌های مردمی علیه طالبان در بدخشان فعالیت‌های یک هزار نفر از آنان را رسماً با این نهادها هماهنگ سازد. ژنرال قدم شاه شهیم رییس ستاد ارتش که برای بررسی اوضاع امنیتی بدخشان به این ولایت سفر کرده گفت که یک هزار نفر از کسانی که علیه طالبان در بدخشان جنگیده‌اند پس از این برای تأمین امنیت با فرماندهی پولیس ولایت همکاری خواهند کرد.

ژنرال شهیم تصریح نمود که سلاح و تجهیزات این افراد از سوی وزارت داخله و معاشات آنان از سوی اداره امنیت ملی پرداخت خواهد شد. وی همچنین خاطر نشان ساخت که عملیات‌های نظامی در ولایت بدخشان تا پاکسازی کامل این ولایت از وجود مخالفان مسلح و تروریستان ادامه خواهد داشت. به گفته وی؛ پس از پاکسازی ولایت بدخشان از وجود طالبان، یک کندک کماندو و یک کندک ریزرف در میدان هوایی فیض آباد مستقر خواهد شد.

در همین حال؛ دولت خان خاوری ولسوال وردوج بدخشان می‌گوید که تا هنوز هم این ولسوالی در کنترل طالبان قرار دارد و عملیاتی برای بازپس‌گیری این ولسوالی راه‌اندازی نشده است.

آقای خاوری خاطر نشان ساخت که نیروهای امنیتی افغان برنامه‌ی یک عملیات گسترده نظامی در ولسوالی وردوج را روی دست گرفته و به زودی این عملیات راه‌اندازی خواهد شد.

پایان عملیات مشترک نیروهای امنیتی در کاپیسا



در پایان عملیات پاکسازی نیروهای مشترک امنیتی در کاپیسا، بیش از ۲۰ تن کشته و زخمی شدند. مسوولان امنیتی ولایت کاپیسا می‌گویند: عملیات پاکسازی نیروهای امنیتی که در جنوب ولسوالی تگاب به راه‌انداخته شده بود؛ صبح دیروز به پایان رسید و در نتیجه آن ده شورشی طالب کشته و شش تن زخمی شدند.

عبدالکریم فایق فرمانده پولیس ولایت کاپیسا به خبرگزاری جمهور گفت: «عملیات نیروهای مشترک زیر نام خنجر ۱۳ در مناطق جنوب ولسوالی تگاب راه‌اندازی شده بود. پنج روز ادامه داشت و صبح امروز به پایان رسید و مناطق پاینده خیل و پشناخیل و چند منطقه دیگر پاکسازی شده است.»

آقای فایق زخمی شدن دو تن از نیروهای پولیس سه تن از نیروهای پولیس نظم عامه و چهار تن از نیروهای ارتش را در این عملیات تأیید می‌کند. وی می‌گوید: به غیرنظامیان هیچ آسیبی نرسیده است. طالبان تاکنون در این مورد چیزی نگفته‌اند. ولسوالی تگاب ولایت کاپیسا، یکی از ولسوالی‌های نامنی این ولایت است که همواره از درگیرهای مسلحانه در آن گزارش شده است.

می‌گذارد. او می‌افزاید که حکومت مکلف است تا دوباره آرامش را به روح و روان کودکان آسیب‌دیده از جنگ بازگرداند.

از سوی دیگر، نماینده‌های شوراهای ولایتی بلخ، فاریاب، جوزجان، سرپل و سمنگان امروز در نشست از مردم ولایت‌های شان خواستند تا با تمام نیرو علیه گروه طالبان بایستند.

این نماینده‌گان هدف از این نشست یک‌روزه را مبارزه مشترک با تروریسم، قاچاق مواد مخدر و فساد اداری می‌خوانند، اما ظاهراً ناامنی‌های اخیر شمال و شمال‌شرق، به ویژه کندز، آن‌ها را واداشته تا خواستار مبارزه مردم در برابر طالبان شوند.

محمدابراهیم خیراندیش، رییس شورای ولایتی بلخ که میزبان نشست دیروزی بود، می‌گوید که وضعیت امنیتی نسبت به هر زمان دیگر به شدت وخیم شده و این مسأله نیاز به مبارزه همگانی دارد. آقای خیراندیش رهبران حکومت را عاملان اصلی «بدبختی‌ها»ی کنونی خواند و آن‌ها را متهم کرد که به امنیت کشور بی‌پروا اند.

گروه طالبان هفته پیش پس از ۱۴ سال موفق شدند شهر کندز را تصرف کنند، اما در ضد حمله نیروهای امنیتی به حمایت هوایی ناتو، پس از سه روز اداره این شهر را از دست دادند.

بر بنیاد گزارش‌ها، در این جنگ شمار زیادی از کودکان و زنان نیز قربانی شده‌اند.

خواند و گفت: «هیچ وقت حادثه قندوز را تلافی کرده نمی‌توانیم.»

متین بیگ معاون اول ریاست امنیت ملی گفت: «با توجه به جنگ قندوز طالبان در همه نقاط کشور جرأت گرفته و جنگ‌ها را آغاز کرده‌اند.» آقای بیگ دلیل تأخیر در عملیات بهاری بر ۲۷ نقطه در ولایت قندوز را تأخیر در ارایه تصمیم از سوی تاجیکستان خواند. به گفته وی، چهار سرباز تاجیکستان در اسارت طالبان بود و افغانستان از آن کشور خواستار معلومات در این مورد شده بود که تأخیر صورت گرفت.

سلیمان کاکر معاون مشاور شورای امنیت ملی هم هرگونه تأخیر در عملیات قندوز از سوی این اداره را رد کرد. پیش از این، گفته‌هایی وجود داشت که شورای امنیت ملی مانع عملیات نیروهای امنیتی بر ۲۷ نقطه در قندوز شده است.

پای یکی از کلان‌های پروان است؛ مطمئن باشید که دوسیه شما ساخته شده و به میدان انداخته خواهد شد.»

شکایات و نگرانی‌ها به خاطر ادامه مشکلات امنیتی به وسیله افراد و گروه‌های مسلح غیرمسوول از سه سال بدین سو در ولایت پروان رو به افزایش است؛ اما در مورد عاملین آن همواره گفته شده که افراد زورمند دولتی و غیر دولتی در عقب این تهدیدات دست دارند؛ ولی تا حال چهره‌های این افراد بگونه‌ی علنی افشا و از آنها نام برده نشده است.

اکنون دیده شود که والی پروان چگونه تا چه حد موفق خواهد شد تا آنها را افشا کند.

مجازات خواهند شد. پیش از این نیز گزارش‌هایی مبنی بر افزایش قیمت بلیت شرکت‌های حمل و نقل برای انتقال مسافران از ولایت قندوز به کابل منتشر شده بود. نمایندگان مردم قندوز در پارلمان افغانستان از مقامات دولتی خواسته‌اند که به مشکلات موجود رسیدگی کنند.

مجازات خواهند شد. پیش از این نیز گزارش‌هایی مبنی بر افزایش قیمت بلیت شرکت‌های حمل و نقل برای انتقال مسافران از ولایت قندوز به کابل منتشر شده بود.

نمایندگان مردم قندوز در پارلمان افغانستان از مقامات دولتی خواسته‌اند که به مشکلات موجود رسیدگی کنند. مجازات خواهند شد. پیش از این نیز گزارش‌هایی مبنی بر افزایش قیمت بلیت شرکت‌های حمل و نقل برای انتقال مسافران از ولایت قندوز به کابل منتشر شده بود.

شناسایی شده و به موقع محاکمه خواهند شد. وزیر داخله در خصوص عملیات که هم اکنون در شهر قندوز جریان دارد یادآور شد که این عملیات پس از پاکسازی شهر، حومه شهر به ولسوالی‌ها و ولایت‌های همجوار قندوز تا پاکسازی کامل مخالفان از شمال ادامه می‌یابد.

علومی در مورد پولیس محلی نیز گفت که تغییراتی در چوکات این نیروها نیز وارد می‌شود. آقای علومی به دست‌هایی که در درون کشور با استخبارات کشورهای بیرونی کار می‌کنند بار دیگر اشاره کرد.

او در خصوص حمله بر زندان غزنی نیز بیان داشت: «پنج تا شش مسوول این زندان در دفع این حمله به کوتاهی متهم شده که هم اکنون تحقیقات از آنان ادامه دارد.»

عبدالخالق سروری معاون اول وزارت دفاع نیروهای امنیتی را در دفع حمله بر قندوز مقصر

لوچی و نادانی برخی مردم محل است. این اوباش و لچک توسط مخالفین مسلح جهت ناامنی استفاده ابزاری می‌شود.»

والی پروان که اخیراً در یک گردهمایی در شهر چاریکار مرکز ولایت پروان صحبت می‌کرد از کسی یا شخصی نام نبرد؛ اما خطاب به کسانی که در پشت این تهدیدات امنیتی دست دارند و از افراد مسلح غیر مسوول وابسته به خود شان استفاده می‌کنند هشدار داد که برای آنان پرونده ساخته شده و آنها افشا خواهند شد.

وی تصریح کرد: «هر عمل خاینانه و مجرمانه‌بی‌که صورت می‌گیرد بالاخره سرخ این همه جنایات زیر

وظیفه هوایم‌های نظامی انتقال تدارکات است که در صورت درستی ادعای شهروندان قندوز جفای بزرگی است که باید پیگیری شود.

از سوی دیگر جنرال عبدالوهاب وردک فرمانده نیروی هوایی افغانستان با رد این اتهامات اعلام کرد که به مردم قندز اطمینان می‌دهم که از آنها دفاع می‌کنیم و در صورت درستی این شایعات، عاملان آن

پاکستان در تلاش فرستادن...

قرار دارد بلکه یک لشکر تازه که مشمول چیچنی، عرب، پاکستانی، ازبکستانی و از ترکستان شرقی هستند، تلاش می‌شود تا این تریبه شده‌گان را به افغانستان بفرستند تا یک دستاورد داشته باشند و به اهداف شان برسند.»

آقای علومی، جنگ تبلیغاتی و روانی، ورود مخالفان به خانه‌ها و جلوگیری از تلفات ملکی را عامل اصلی سقوط قندوز عنوان کرد.

علومی تأیید نمود که یک تعداد از مسوولین که در نتیجه واسطه و وسیله به صفوف نیروهای امنیتی داخل شده‌اند و به جای دستور نهادها از هدایات واسطه‌های شان پیروی می‌کنند.

به گفته وی، دستور جدی از رییس جمهور وجود دارد که با این گونه افراد در صفوف نیروهای امنیتی برخورد شود و تعدادی از آنان

در پشت جنایات پروان یک...

حکومتی ولایت پروان، مشکلات امنیتی از رهگذر فعالیت مخالفین مسلح در این ولایت چندان بر اوضاع تأثیر ندارد و بسیار اندک است. اما به باور آنان، تهدیدات امنیتی در ولایت پروان را افراد و گروه‌های مسلح غیرمسوول بوجود آورده‌اند.

محمدعاصم عاصم والی پروان می‌گوید از افراد مسلح غیرمسوول در جهت بد امنی استفاده صورت می‌گیرد: «ما اسیر بد کاری چند لچک و اوباش هستیم که در میان مردم جایگاهی ندارند. ما که چند لچک و بی‌بندار با این قوا کنترل نمی‌توانیم از ساده

بحران قندوز و تجارت...

اعضای خانواده‌اش را به کابل منتقل کرده است. شهروند دیگری در ولایت قندوز گفته است که با پرداخت ۵۰۰ دالر توانسته است به وسیله هوایم‌های نظامی به کابل انتقال یابد.

عتیق الله امرخیل کارشناس مسائل نظامی گفت که

ورزش



مورینیو:

مسوولان چلسی می توانند مرا اخراج کنند



اعتماد به نفس بازیکنان او را به شدت پایین آورده است. وی افزود: تیم سعی و تلاش را انجام می دهد، اما نتیجه نمی گیرد، چون از نظر روانی در وضعیت بسیار بدی قرار دارد. آقای خاص اخیراً شروع این فصل را به عنوان بدترین مقطع از دوران مربیگری اش توصیف کرده است، اما او اطمینان دارد که چلسی می تواند این بحران را پشت سر بگذارد. او عنوان کرد: مطمئنم که می توانیم فصل را در چهار رده نخست جدول به پایان برسانیم و در چنین فصل بدی، قرار گرفتن در جمع چهار تیم جدول هم دستاورد چندانی برای ما نیست. اگر باشگاه مرا اخراج کند، بهترین سرمربی تاریخ خودش را برکنار خواهد کرد. اکنون زمان آن است که تمام اعضای تیم مسئولیت وضعیتی که در آن هستیم را بپذیرند و در کنار هم بمانند. سرمربی چلسی تصریح کرد: بازیکنان من تا آخر فصل در حالی که نشان قهرمان روی پیراهن شان هست، باید بازی کنند و من هم می خواهم با آنها کار کنم. خودباوری من زیاد است و خودم را بهترین می دانم. این وضعیت چلسی واقعا مرا آزار می دهد. این وضعیت مرا به عنوان یک مربی حرفه ای اذیت می کند، چون من عاشق چلسی هستم.

آقای خاص پس از چهارمین شکست تیمش در این فصل از لیگ برتر فوتبال انگلیس آب پاکی را روی دست منتقدان و مخالفانش ریخت و گفت دست از هدایت چلسی نمی کشد.

ژوزه مورینیو شب شنبه در خانه شاهد شکست ۳ بر یک تیمش برابر ساوتهمپتون بود که این چهارمین باخت چلسی در هشت هفته سپری شده از لیگ برتر انگلیس بود که سبب شد به رده شانزدهم سقوط کند و فاصله اش با تیم صدرنشین (منچستر سیتی) به ۱۰ امتیاز افزایش پیدا کند.

این باخت فشاری را که روی آبی پوشان لندن و سرمربی پرتغالی آنها وجود داشت، دو چندان کرد و احتمال تکرار سناریوی ۲۰۰۷ را که برای او در اولین دوره مربیگری اش در استمفوردبریج رقم خورد، افزایش داد. با این حال مورینیو تأکید کرد که تیمش می تواند بحران فعلی را پشت سر بگذارد و اینکه اطمینان دارد که شاگردان او فصل را در جمع سه تیم بالای جدول به پایان خواهند رساند.

آقای خاص که تیمش از ۳۷ سال پیش (زمانی که به دسته دوم سقوط کرد) بدترین شروع خود را تجربه کرده است، از همه اعضای باشگاه خواست که اتحاد خود را حفظ کنند. او به شبکه اسکای اسپورتنس گفت: اولاً من فرار نمی کنم. دوماً اگر باشگاه می خواهد مرا اخراج کند، خودش باید این کار را انجام دهد، چون من از زیر بار مسئولیتی که نسبت به تیمم دارم، فرار نمی کنم. تصمیم مورینیو برای برگرداندن جان تری، کاپیتان و مدافع میانی چلسی نتیجه معکوس و متفاوت با آنچه او تصورش را می کرد، داشت چرا که بازی ضعیف تری سبب شد که ساوتهمپتون بازی یک بر صفر باخته را ۳ بر یک ببرد.

مورینیو برای توجیه شکست تیمش، از عملکرد داور بازی رابرت مادلی برای اعلام نکردن یک پنالتی به خاطر خطای مارتن استکلنبرگ، دروازه بان ساوتهمپتون روی رادمل فالکانو، شکایت داشت.

وی اظهار داشت: داوران از اینکه به سود چلسی پنالتی اعلام کنند، می ترسند. زمانی که بازی یک - یک مساوی بود، یک خطای پنالتی محرز رخ داد، اما باز هم خبری از پنالتی برای ما نبود. اگر اتحادیه فوتبال انگلیس می خواهد مرا جریمه کند، می تواند این کار را انجام دهد، البته مسئولان اتحادیه سایر مربیان را مجازات نمی کنند. حق بازیکنان من و هواداران چلسی است که از یک قضاوت عادلانه برخوردار باشند.

گل های استیون دیویس و سادیو مانه پس از اشتباه جان تری و گل گرازیانو پله، پاسخی قاطع از ساوتهمپتون به تک گل ویلیان برای چلسی بود تا این تیم بیش از پیش به قعر جدول نزدیک شود. مورینیو اعتراف کرد که بحران ابتدای فصل،

گواردیولا در بایرن مونیخ

می ماند یا به لیگ برتر می رود؟

در حالی که باشگاه بایرن مونیخ به دنبال تمدید قرارداد سرمربی اهل کاتالان خود است، برخی رسانه ها حضور این مربی سرشناس را در لیگ برتر نسبت می دهند.

به گزارش نشریه انگلیسی «دیلی میل»، باشگاه بایرن مونیخ مذاکرات خود را با پپ گواردیولا برای تمدید قراردادش آغاز کرده و سران این باشگاه آلمانی خوشبین هستند که این مربی اسپانیایی را در مونیخ نگه دارند، این در حالی است که چند باشگاه لیگ برتری هم وضعیت گواردیولا را زیر نظر دارند تا در صورت امکان با او وارد مذاکره شوند.

قرارداد سه ساله پپ با بایرن در پایان فصل جاری به پایان خواهد رسید و کارل هاینتس رومینگه، رئیس باشگاه بایرن مونیخ هم موافقت کرده که مذاکره با گواردیولا را به طور موقت تا پایان تعطیلات زمستانی به حالت تعلیق در بیاورد تا این مربی ۴۴ ساله در خصوص آینده خود فرصت تصمیم گیری داشته باشد.

مارتی پرارانائو، روزنامه نگار و نویسنده کتاب «محرمانه گواردیولا؛ فصل اول حضور در بایرن مونیخ» کسی که به نوعی رازدار پپ است، در این باره گفته که انتظار دارد مقصد بعدی این مربی کاتالونایی، انگلیس باشد.

در حالی که شایعه شده بود در تابستان آینده گواردیولا جانشین مانوئل پیگرنی در منچستر سیتی خواهد شد، اما این باشگاه قرارداد سرمربی شیلیایی خود را تمدید کرد تا خود به خود گزینه حضور او در من سیتی از بین برود. در سویی دیگر اما حضور پپ در منچستریونایتد و آرسنال در صورت خالی شدن نیمکت مربیگری این تیم همچنان مطرح است، ولی هم لویی فن خال و هم آرسن ونگر تا سال ۲۰۱۷ با تیم های خود قرارداد دارند و بعید به نظر می رسد که ونگر زودتر از موعد مقرر آرسنال را ترک کند.

سرالکس فرگوسن اخیراً در کتاب جدیدش تحت عنوان «رهبری» عنوان کرده بود که علاقه داشته تا سرمربی پیشین بارسلونا جانشین وی در منچستریونایتد شود. او در این باره گفته است: به پپ گفتم پیش از اینکه پیشنهاد باشگاه دیگری را قبول کنی با من تماس بگیر، اما او این کار را نکرد و ماه جولای سال ۲۰۱۳ به بایرن مونیخ پیوست.

این در حالی است که در آن دوره رومن آبراموویچ، مالک باشگاه چلسی هم به دنبال آوردن او به این باشگاه لندن بود.

راکتیج:

باخت به سویا دردناک بود

شکست داد که چند بازیکن اصلی خود را به خاطر آسیب دیدگی در اختیار نداشت. راکتیج در این باره گفت: نباید به دنبال عذر و بهانه بود. بازی را واگذار کرده ایم و باید این را قبول کرد. آسیب دیدگی جزئی از فوتبال است. درست است که چند بازیکن بزرگ تیم را در اختیار نداشتیم اما باید به این شرایط عادت کرد. امیدوارم که هرچه زوتر بازیکنان آسیب دیده به ترکیب اصلی برگردند. آسیب دیدگی بازیکنان را نباید بهانه کرد چرا که هر تیمی چنین مشکلی را دارد.

ستاره کروات بارسلونا در پایان سخنان خود درباره دشمنی هواداران دیگر تیم ها با بارسلونا گفت: همه تیم هایی که برابر ما بازی کرده اند را شکست داده ایم و طبیعی است که هواداران آنها رابطه خوبی با ما نداشته باشند. چنین دشمنی باعث می شود انگیزه ما برای پیروز شدن بیشتر شود. شرایط برای بارسلونا با از دست دادن سه امتیاز این بازی سخت شد و الان اگر ویراتال در دیدار برابر والنسیا به پیروزی برسد اختلاف آنها با صدر جدول رده بندی به چهار امتیاز افزایش خواهد یافت.

ستاره کروات بارسلونا از شکست برابر سویا بسیار ناراحت است و تأکید کرد آبی اناری ها مستحق باخت در این دیدار نبودند. به گزارش سایت گل، بارسلونا در هفته هفتم رقابت های لیگا در خانه سویا به میدان رفت و در حالی که بازیکنان غایب زیادی داشت با نتیجه دو بر یک بازی را واگذار کرد تا دومین شکست این تیم در فصل جاری رقم بخورد و نتواند به صدر جدول رده بندی صعود کند.

ایوان راکتیج بعد از بازی گفت: شکست در چنین شرایطی بسیار دردناک است. فرصت های زیادی را روی دروازه حریف ایجاد کردیم اما نتوانستیم به خوبی از آنها استفاده کنیم این در حالی است که تیم میزبان از تک موقعیت هایش به خوبی استفاده کرد و دروازه ما را دو بار باز کرد.

راکتیج ادامه داد: نباید این شکست باعث شود احساس ناامیدی کنیم. به هر حال تا پایان لیگ، بازی های زیادی باقی مانده است و می توانیم جبران کنیم. باید نهایت تلاش خود را به کار بگیریم تا به پیروزی برسیم و امتیازات لازم را جمع آوری کنیم. بارسلونا در حالی برابر سویا با نتیجه دو بر یک تن به



واکنش آگوئرو بعد از زدن پنج گل

و می گوید: «امروز باخت با من یار بود و توپ هابم به گل تبدیل می شد. بسیار خوشحالم که توانستم در یک دیدار پنج گل به ثمر برسانم. الان با خیال راحت به تمرین تیم ملی می روم. درست است که گلزنی من را بسیار خوشحال می کند اما مهم پیروزی تیم و کسب سه امتیاز است. باید به این روند خوب خود ادامه دهیم و در بازی های آینده نیز به پیروزی برسیم.» آگوئرو دومین بازیکن در تاریخ فوتبال باشگاهی در انگلیس است که توانست در یک دیدار پنج گل به ثمر رساند. نخستین بازیکنی که توانست دست به چنین کار بزرگی بزند تامی جانسون بود که در سال ۱۹۲۸ برابر اورتون توانست پنج گل به ثمر رساند. آگوئرو همچنین سومین بازیکن بعد از آلن شیرر و رود فان نیستلروی است که در کمترین زمان به مرز ۸۰ گل می رسد.

مهاجم آرژانتینی منچستر سیتی از این که پنج گل در یک دیدار به ثمر رساند، بسیار خوشحال است. او اعتراف کرد که باخت با او یار بوده است و تأکید کرد که تیمش باید به این روند خود ادامه دهد. به گزارش یورو اسپورت، در شبی که منچستر سیتی جشنواره گل به راه انداخت و موفق شد برابر نیوکاسل با نتیجه شش بر یک به پیروزی برسد ستاره میدان سرخو آگوئرو بود که به تنهایی پنج گل به ثمر رساند. این مهاجم آرژانتینی از شانزدهم اوت که در دیدار برابر چلسی موفق به گلزنی شده بود تا الان نتوانسته بود برای فیروزه ای پوشان گلزنی کند اما به یکباره در دیدار برابر نیوکاسل پنج گل به ثمر رساند تا زمینه را برای پیروزی تیمش مهیا کند. او از این که در یک دیدار پنج گل به ثمر رسانده بسیار خوشحال است



کامرون:

روسیه اشتباه وحشتناکی در سوریه مرتکب می‌شود



کامرون در پاسخ به سوالی درباره پرونده علی النمر در عربستان که به اعدام محکوم شده خطاب به عربستان گفت: این اعدام را انجام ندهید. نخست‌وزیر انگلیس گفت: اگر چه انگلیس و عربستان در زمینه مسائلی نظیر امنیت ملی همکاری نزدیکی دارند دولت انگلیس نگرانی خود را درباره پرونده النمر و وضعیت کلی حقوق بشر در عربستان بیان کرده است. وی گفت: ما هرگز از گفتن این که با آنها در خصوص این مساله حقوق بشر موافقت نداریم خودداری نمی‌کنیم.

نخست‌وزیر انگلیس تصمیم ولادیمیر پوتین برای اقدام نظامی در سوریه به منظور حمایت از دولت بشار اسد را «اشتباهی وحشتناک» خواند. به گزارش خبرگزاری رویترز، دیوید کامرون، نخست‌وزیر انگلیس در مصاحبه با شبکه خبری بی.بی.سی در نخستین روز از کنفرانس سالانه حزب محافظه کار در شهر منچستر در شمال این کشور تصریح کرد: آنها (روسها) از بشار اسد، «قصاب سوریه»، حمایت می‌کنند و این اشتباهی وحشتناک هم برای آنها و هم برای جهان است. این باعث خواهد شد منطقه بی ثبات تر شود. کامرون مدعی شد: اغلب حملات هوایی روسیه تا جایی که ما تاکنون نتوانسته ایم مشاهده کنیم در بخش‌هایی از سوریه که تحت کنترل داعش نیستند و در کنترل دیگر مخالفان حکومت سوریه قرار دارند اتفاق افتاده‌اند.

نخست‌وزیر انگلیس همچنین درباره ماندن کشورش در اتحادیه اروپا اظهار کرد، اگر دیگر رهبران اروپا امتیازاتی را که او می‌خواهد برآورده کنند برای باقی ماندن کشورش در اتحادیه اروپا یک کمپین به راه می‌اندازد اما هشدار داد اگر این رهبران از چنین کاری خودداری کنند او هیچ چیز را نمی‌تواند رد کند. کامرون در ادامه در پاسخ به این که اگر نتواند اصلاحات اروپایی مورد نظرش را بدست آورد برای ترک اتحادیه اروپا تلاش خواهد کرد؟ گفت: من هیچ چیز را رد نمی‌کنم. اما من مطمئنم ما چیزی را که نیاز داریم به دست می‌آوریم. وی افزود: من در حال حاضر در یک مذاکرات قرار دارم. من تلاش دارم تا چیزهایی را که ما برای کشورمان نیاز داریم به دست بیاورم و صریحاً زمانی که آنها را کسب کنم تغییر موضع داده و در جهت باقی ماندن در یک اروپای اصلاح شده تلاش خواهم کرد.

کامرون همچنین در این مصاحبه از عربستان سعودی که همپیمان کشورش است خواست تا حکم اعدام علی النمر، برادر زاده شیخ نمر باقر النمر، فعال سیاسی مخالف حکومت عربستان را به اتهام شرکت در تظاهرات لغو کند.

صدراعظم آلمان:

حق پناهنده‌گی در آلمان محدود نمی‌شود

مهاجرت نیاز به چنین تغییری نیست. به این ترتیب زیهوفر موقت اش را در قبال سخنان مارکوس زودر، وزیر مالیه بایرن و هم حزبی اش مشخص کرد. زودر در مصاحبه با یک روزنامه گفته بود که باید در مورد محدودیت حق پناهنده‌گی در آلمان فکر شود. سیاستمداران از احزاب سوسیال دموکرات و سبزها چنین درخواستی را غیرقابل قبول خوانده و رد کردند.

تشدید مهاجرت به آلمان به دلیل سخنان مرکل

نخست‌وزیر بایرن از انگلا مرکل، صدراعظم آلمان خواست که به صراحت بگوید: «امکانات پذیرش ما به آخر رسیده است.»

زیهوفر تاکید کرد که تصمیم مرکل دال بر اجازه ورود به پناهجویان از هنگری به آلمان اشتباه بوده و به این دلیل روند مهاجرت به آلمان تشدید شده است. صدراعظم آلمان به تاریخ پنجم سپتمبر با توجه به وضعیت بد پناهجویان سوریه‌ای در هنگری تصمیم گرفت که بدون ثبت نام به هزاران تن اجازه ورود به کشور را بدهد. از آن زمان روند ورود پناهجویان به کشور تسریع شد. یک هفته پس از آن آلمان دوباره کنترل مرزها را از سر گرفت.

رییس اتحادیه سوسیال مسیحی بایرن دوباره تاکید کرد که ظرفیت ما در بخش پذیرش آوارگان به آخر رسیده است: «بیشتر از این دیگر ممکن نیست». او افزود، اگر نتوانیم مهاجرت به کشور را محدود کنیم، در آستانه فصل زمستان سیستم پناهنده‌گی «فرو می‌پاشد» و باید از وقوع چنین رویدادی در همکاری مشترک با حکومت آلمان فدرال ممانعت شود.

فشار بر صدراعظم آلمان افزایش می‌یابد

در این میان افزون بر اتحادیه سوسیال مسیحی بایرن، حزب سوسیال دموکرات و بخش‌هایی از حزب اتحادیه دموکرات مسیحی هم خواهان این هستند که مرکل به محدودیت توانایی‌های آلمان در غلبه بر بحران پناهجویان اذعان کند. توماس اپرمن، رییس جناح حزب سوسیال دموکرات در پارلمان آلمان گفت: «صدراعظم آلمان مسئولیت بزرگی به عهده دارد و باید قدرت رهبری نشان دهد... ما باید این پیام صریح را بفرستیم که آلمان به تنهایی نمی‌تواند همه آوارگان را بپذیرد.»

اما صدراعظم آلمان تا به حال این تقاضاها را برآورده نکرده است. گرچه مرکل در پیام ویدیویی این هفته گفت، آوارگانی که دلیل مشخصی برای پناهنده‌گی ندارند، باید کشور را ترک کنند، اما او همزمان تاکید کرد که «...باید برای آن‌ها راهی که دلیلی برای پناهنده‌گی دارند، امکان ورود به کشور وجود داشته باشد.»

صدراعظم آلمان درخواست برخی سیاستمداران اتحادیه سوسیال مسیحیان بایرن دال بر محدودیت حق پناهنده‌گی را رد کرد. نخست‌وزیر بایرن از او خواست که به صراحت اذعان کند که آلمان از این پیش نمی‌تواند پناهجو بپذیرد.

صدراعظم آلمان فدرال در مصاحبه با رادیوی آلمانی «دویچلند فونک» درخواست محدودیت حق پناهنده‌گی را که در قانون اساسی درج شده است، رد کرد و گفت که در این قانون هیچ تغییری ایجاد نمی‌شود. مرکل گفت که در هر حال حقوق پناهجویان در کنوانسیون مربوط به وضعیت پناهندگان تنظیم شده است و به این دلیل در قانون اساسی آلمان تغییری ایجاد نخواهد شد.

مرکل در این مصاحبه گفت که باید به مشکلات ناشی از سرازیری پناهجویان به کشور رسیدگی شود. او خواهان تسریع روند پناهنده‌گی، حراست بهتر از مرزها و توزیع عادلانه آواره‌ها در اروپا شد. صدراعظم آلمان اذعان کرد که غلبه بر این تکالیف صبر و حوصله می‌طلبد.

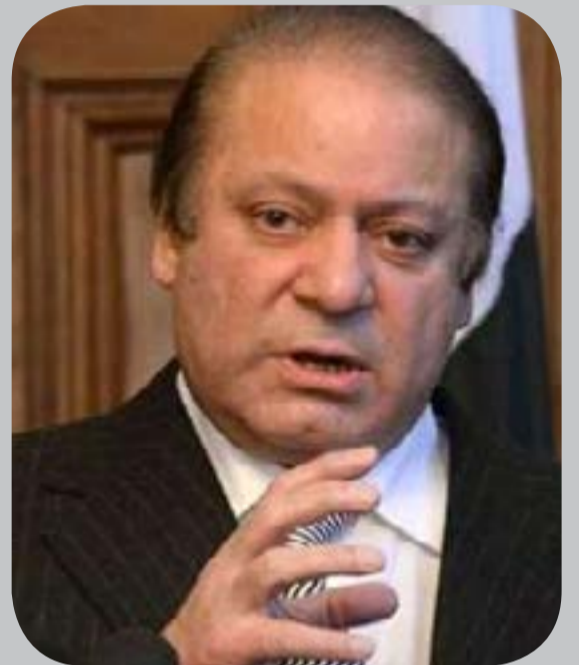
پیش از این هُرسْت زیهوفر، نخست‌وزیر بایرن از انگلا مرکل خواسته بود به صراحت اذعان کند که آلمان بیشتر از این نمی‌تواند پناهجو بپذیرد. اما زیهوفر درخواست‌های وزیرش مارکوس زودر دال بر محدودیت حق پناهنده‌گی در آلمان را رد کرد.

هُرسْت زیهوفر، رییس اتحادیه سوسیال مسیحی بایرن در تلویزیون این ایالت گفت: «من به صراحت می‌گویم که ما به هیچ صورت خواهان تغییر در حق اولیه پناهنده‌گی، یعنی تغییر در قانون اساسی نیستیم» و برای محدودیت



نواز شریف:

جنگ نیابتی هند علیه پاکستان باید پایان یابد



نخست‌وزیر پاکستان ضمن ابراز امیدواری نسبت به عملی شدن برنامه چهار ماده‌ای پیشنهادی این کشور برای صلح با هند گفت که جنگ نیابتی دهلی‌نو علیه اسلام‌آباد باید پایان یابد. نواز شریف نخست‌وزیر پاکستان اعلام کرد که دهلی‌نو دیر یا زودتر برای پیگیری برنامه صلح پیشنهاد شده از سوی دولت اسلام‌آباد در نشست سازمان ملل متحد رضایت خواهد داد. وی ضمن ابراز امیدواری نسبت به برنامه چهار ماده‌ای صلح گفت: همه مسایل پاکستان با هند را در هفتادمین نشست عمومی سازمان ملل مطرح کرده و برای حل و فصل تنش‌های دو کشور پیشنهادات جامعی را ارائه کرده است. شریف افزود: جنگ نیابتی دهلی‌نو علیه اسلام‌آباد باید پایان یابد.

نخست‌وزیر پاکستان اظهار داشت: اسلام‌آباد شواهد مستندی از مداخله سازمان اطلاعات هند (راو) در خاک پاکستان را به سازمان ملل ارائه کرده است.

نواز شریف همچنین با اظهار امیدواری در مورد شواهد مستند علیه هند گفت: شواهد فراهم شده به سازمان ملل مبنی بر مداخله سازمان اطلاعات هند در خاک پاکستان تأثیری قابل توجهی خواهد داشت.

وی گفت: اتهامات راه حل مشکلات نیست زیرا جامعه جهانی از موضع مردم کشمیر در قبال پاکستان و هند آگاه است.

نخست‌وزیر پاکستان تأکید کرد: آغاز هرچه زودتر روند مذاکرات هند و پاکستان به نفع دو کشور است.

نواز شریف درباره برنامه چهارماده‌ای صلح با هند در سازمان ملل گفته بود که هند و پاکستان با احترام به توافقنامه آتش بس سال ۲۰۰۳ میلادی، آن را اجرایی زیر نظر سازمان ملل اجرایی کنند.

همچنین هند و پاکستان باید در هر موقعیتی از قدرت نظامی استفاده نکنند که این موضوع جزئی از منشور سازمان ملل نیز است.

منطقه کشمیر باید از نظامیان تخلیه شود.

بازگشت غیر مشروط نیروهای امنیتی هند و پاکستان از «سیاچن» بلندترین جبهه جهان نیز اجرایی شود.

سوشما سوراج وزیر امور خارجه هند پس از سخنان نواز شریف در هفتادمین نشست سالانه سازمان ملل در نیویورک با رد این چهار پیشنهاد نخست‌وزیر پاکستان برای برقراری صلح و امنیت در منطقه، اسلام‌آباد را متهم به پشتیبانی تروریست‌ها در منطقه کرد و گفت: دهلی‌نو نیاز به پیشنهادهای «نواز شریف» نخست‌وزیر پاکستان برای برقراری صلح و امنیت در منطقه ندارد و تنها راه حل آن است که اسلام‌آباد از پشتیبانی تروریست‌ها در منطقه دست بکشد.